

بررسی تاریخ‌نویسی قرن دوازدهم: توجه به شخصیت‌پردازی مجازای افراد

محمد حسن بهنام فر^۱

درآمد

تاریخ‌نویسی در قرن دوازدهم را با تمام فراز و نشیب‌هایی که از سر گذراند، می‌توان ادامه تاریخ‌نویسی دوره قبل دانست، هرچند گاه تفاوت‌هایی در آن دیده می‌شود، اما نمی‌توان به طور خاص برای آن شاخصه‌هایی را در نظر گرفت. با توجه به تاریخ‌نویسی در دوره شاه عباس اول و عدم تمایل به تواریخ عمومی و تأکید به تاریخ سلسله‌ای، این روند تداوم پیدا کرد و در قرن دوازدهم نیز عموم تاریخ‌های نوشته شده سلسله‌ای و محوریت با نوشته‌های دودمانی بوده است. این طور به نظر می‌رسد که تحولات سیاسی در ایران و فقدان انسجام سیاسی در کشور در قرن دوازدهم بر این امر بی‌تأثیر نبوده است. توجه به تاریخ اسلام و امامان در منابع قرن دوازدهم در واقع ادامه تاریخ‌نویسی صفویه محسوب می‌شود؛ یعنی استفاده از مضامین و مفاهیم خاص شیعی که مورخ این دوره گاه به منظور نیات و اهداف خویش در کاربرد آنها گزینشی اقدام می‌کرده است. آنچه در این دوره کاربرد زیادی داشته، استفاده از روایات قدسی و خارق‌العاده جلوه دادن و شخصیت‌پردازی امامان بوده است. به نظر می‌رسد این امر پیوندی با اندیشه سیاسی قرن دوازدهم و ظهور افرادی چون نادر داشته است.

مقدمه

بخش زیادی از تواریخ دوره افشاری و زندیه، وقایع‌نگاری دودمانی این دو سلسله است و کمتر به مباحثی چون تاریخ عمومی یا تاریخ اسلام اختصاص یافته است. سخن درباره این مطلب نیاز به تحقیق جداگانه‌ای دارد، اما باید توجه داشت که چه می‌شود منابع تاریخی این دوره به بحث‌های تک‌نگاری و افراد توجه دارند و در پی این هستند که به نحوی شخصیت‌پردازی کنند؛ یعنی حوادث را حول افراد و اعمال آنها بنگارند؟ در واقع توجه به نگارش تاریخ عمومی در این دوره خیلی کمتر گشته و نوشته‌ها در قالب داستان‌های اشخاص و افراد تدوین می‌گردد.

به نظر می‌رسد در اواخر صفویه و پس از سقوط اصفهان، نوعی سرخوردگی و بی‌هویتی میان نخبگان و مورخان موج می‌زد. به ویژه حضور افغانان به این امر کمک کرده بود. در عرصه حکومتی نیز نوعی پراکندگی در کشور وجود داشت و آن ایران مستقل و متمرکز با پادشاهان مقتدر، به کشوری با مدعیان ضعیف و گاه بی‌لیاقت و البته مزاحمت‌های بیگانگان تبدیل شده بود. در این شرایط، افراد به یک معنا آرزوی اقتدار پادشاهان قبلی و اعاده قدرت مرکزی را داشتند؛ چه بسا به دنبال این نیز بودند تا بار دیگر خود را در یک حکومت قدرتمند ببینند؛ از این رو می‌بینیم با قدرت‌گیری شخصی به نام نادر، یک‌باره تاریخ‌نویسی شخصیتی به عنوان یک وجه بارز و قالب این دوره ظهور پیدا می‌کند؛ مورخان حوادث را حول شخصیت وی می‌نگارند و دیگر نگاهی به قبل ندارند.

این امر از آنجا اهمیت می‌یابد که با مرگ نادر، تاریخ‌نویسی افشاری به یک معنا به پایان می‌رسد و نمی‌توان تداومی برای آن فرض کرد؛ همچنین رویکردی را در تاریخ‌نویسی زندیه می‌توان دید؛ یعنی حوادث حول شخص کریم‌خان، تأکید بسیار به سخاوت و بخشندگی وی و عدم توجه به تاریخ عمومی، از مهم‌ترین وجوه تاریخ‌نویسی این دوره محسوب می‌شود؛ البته این احتمال هم وجود دارد که زندیه در عرصه تاریخ‌نویسی به نحوی و در خفا، با افشاریه رقابت داشته باشند.

گروهی از جمله خانم کوبین معتقدند تا عصر شاه عباس یکم، تواریخ عمومی بوده، اما وقایع‌نگارانی که آثار خویش را در عصر شاه عباس یکم تألیف می‌کردند، وارث همه این انواع تاریخ‌نویسی بودند، به نظر می‌آید که آثار بیشتر آنان تاریخ سلسله‌ای بوده است، لذا در تضاد با تواریخ عمومی قرار می‌گیرد.

بدون تردید تثبیت سلسله صفوی و استقرار سیاسی آن به این روند کمک کرده است. زمانی که شاه عباس یکم به سلطنت رسید، سلسله صفوی به طور کامل استقرار یافته بود و مورخان نیازی نداشتند که تاریخ اسلام یا سلسله‌های قبلی را در گزارش خویش ارائه کنند. بدین ترتیب تاریخ‌نویسی صفویان از دوره شاه عباس با توجه به شرایط خاص خود به حالت تواریخ سلسله‌ای و تک‌نگاری درآمد؛ پس این بحث را نیز نباید نادیده گرفت، چرا که همین شکل در دوره بعدی نیز ادامه پیدا کرد.

نوشته‌های دیگری که در این دوره نوشته شده و در آن به تاریخ اسلام یا امامان توجه کرده باشند، کم اما درخور تأمل‌اند. این نوشته‌ها اصولاً حول محوریت حضرت علی(ع) قرار دارند، و گاه توجه خود را به ولایت ایشان معطوف کرده‌اند. آنچه در این آثار قابل توجه است، تأکید بر بحث‌های ماورائی و معجزه‌آسا

بودن شخصیت‌های تاریخ امامت و اسلام، از جمله حضرت علی(ع) و پیامبر(ص) است. این آثار در میانه مطالب خود، تقریباً عموم آثار، سخن از معجزاتی دارند؛ یعنی اعمالی که بشر از انجام آن ناتوان است و به این نحو به دنبال آن بودند تا امامان و پیامبر(ص) را فرا انسانی نشان دهند. این طور به نظر می‌آید که جدا از بحث اعتقادی، جریان‌های تاریخی و حوادث اتفاق افتاده این دوران - که در ابتدا به آن اشاره کردیم - نقش زیادی در پرورش و پردازش شخصیت‌های حماسی و ماورائی داشته است. در این تحقیق ابتدا منابع را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم و سپس به ذکر شاخصه‌های تاریخ‌نویسی امامت در این دوره می‌پردازیم.

با مطالعه منابع تاریخی قرن ۱۲، از آنجا که بیشتر آثار چاپ شده تاریخ‌نویسی زندگی‌نامه‌ای بوده، کمتر به مباحث تاریخ اسلام و امامت توجه کرده‌اند، اما در نسخه‌های غیر چاپی، مطالبی دیده می‌شود که در ادامه آورده شده است. از آنجا که زمان و توان رؤیت همه نسخه‌ها نبود، تنها نسخه‌های قابل دسترس را بررسی کردیم و تنها به ذکر نام نسخه‌های دیگر، اکتفا شد.

۱) *برهان الفتوح*؛ محمدعلی فرزند محمدصادق حسینی نیشابوری نجفی؛ تاریخ عمومی است از آغاز تا سال ۱۱۴۸ هـ در یک مقدمه و ۱۸ باب و خاتمه. این اثر در موزه بریتانیا: ریو ۳: ۸۹۳ موجود است.

۲) *مختصرالتواریخ*، اثر عبدالسلام؛ تاریخ عمومی به سال ۱۱۶۱ نگاشته شده است. آکسفورد: ایتون کالج ۱۶۹

۳) *مفتاح القلوب*، شمس الدین اصیل؛ تنها جلد دوم و سوم آن در دست است، ولی باید در سه جلد باشد. جلد دوم آن با سخنان حضرت علی(ع) آغاز می‌شود؛ سپس خلافت حضرت امام حسن و سرگذشت همه امامان شیعه، آن‌گاه امویان و عباسیان، خلفای اندلس، طاهریان و دیگر سلسله‌هایی که بر ایران فرمانروایی کردند، می‌پردازد، ولی از مغولان سخن نگفته و به جای آنها غوریان، سربداران و آل کرت را آورده است تهران: ملی: ۱۱۲۶ ف، نستعلیق سده ۱۲ / ۴۱۳ برگ / کمبریج؛ براون h۲

۴) *تاریخ شاه سلطان حسین و کریم خان زند*، رضی الدین تفرشی؛ از مرگ شاه سلطان حسین تا مرگ کریم خان، در ۱۱۹۳ نوشته شده است. موزه بریتانیا: Add: ۶۵۸۷:۱۶

۵) *تاریخ نادرشاه*، صفا، تهران، دانشگاه: ۵۵۳۳. این اثر دیده شد، اما مطالب قابل توجهی که به موضوع این تحقیق ارتباط پیدا کند، در آن یافت نشد.

۶) *تاریخ نادرشاه*، طاهر بیگ؛ روزگار او تا ۱۱۵۳، پاریس: ملی بلوشه: ۴۹۰.

۷) *احسن السیر*، محمد کاظم فرزند مجتهد حیدر علی شوشتری نجفی؛ سرگذشت پیامبران است به ویژه پیامبر اسلام و خلفای پیشین عرب و امامان که در ۱۱۱۴ نگاشته شده است. کلکته: پادشاهی، بوهار ۳۱ و ۳۰.

۸) *احوال چهارده معصوم*؛ همدان: کتابخانه غرب: ۴۵۹۰:۲۰ در تاریخ ۱۱۲۲

۹) *احوال حضرت رسول و تاریخ اسلام*، ناشناس؛ در آن از فرهنگ الملوک و شارستان، نگاشته بهرام، یاد

شده است. زاهدان: امیر توکل کامپوزیان کرد به تاریخ ۲۳ سال ۱۱۴۸.

(۱۰) اسرار ابتلاء الاولیا، محمد شفیع فرزند محمد حسین کرهرودی عراقی؛ تهران: ملی ۲۹۳ ف / تهران: سپهسالار ۵۳۳۱.

(۱۱) اصحاب الاخدود، از داستان‌های قرآن و تاریخ پیامبران است. تهران: سپهسالار ۲۵۵۱:۳.

(۱۲) انوار حسینی، ملامحمد حسین غلام؛ در سرگذشت حضرت فاطمه (س) و امامان حسن و حسین (ترجمه جلد دوازدهم بحار الانوار) یزد. سریزدی، ۱۳۸.

(۱۳) تاریخ پیامبران و امامان؛ مشهد: رضوی، ۲۹۳:۳.

(۱۴) تاریخ عترت، عبدالغفار صدیقی حسنی، خراسانی؛ به روش عرفانی، تهران: سپهسالار: ۲۸۴۴:۳.

(۱۵) ترجمه الاسرار، کمال الله فرزند محمد پیر صدیقی، به سال ۱۱۸۵ در سرگذشت پیامبر اسلام و خلفای پیشین. کلکته: پادشاهی بوهار.

(۱۶) توضیح الدلائل علی ترجیح الفضائل؛ ترجمه‌ای ست از شهاب الدین احمد از متن عربی در فضائل قرآن و قاریان و حضرت علی و امامان؛ آصفیه: ۱۰۰ مناقب.

(۱۷) خزائن النبوت، عبدالاحد فرزند محمد سعید احمد سرهندی؛ سرگذشت پیامبر اسلام، لندن: دیوان هند ۶۳۶Dp .

(۱۸) ده مجلس، در سرگذشت پیشوایان اسلام و سوگواری آنها؛ گرفته شده از روضه الشهادهای کاشفی، موزه بریتانیا: ۲۵۸۵۳Add .

(۱۹) سرگذشت امامان؛ مشهد: جامع گوهرشاد ۶۰۲:۳ سده ۱۲.

(۲۰) سفینه النجاه، محمد باقر فرزند میرزا محمد خان دلو، در مناقب و فضائل حضرت امیر در یک مقدمه در زایش آن حضرت و یک خاتمه در بی‌وفایی دنیای درون و حدیث‌هایی در بدگویی از آن. تهران: ملی ۱۳۸ ف

(۲۱) مدینه الانبیاء، ناشناس؛ هند: کلکته، انجمن آسیایی بنگال.

(۲۲) منتخب المناقب، محمد علی فرزند محمد سلیم؛ در سال ۱۱۳۴ در سرگذشت پیامبر و خلفای پیشین عرب و امامان نگاشته شده است. لنینگراد: آکادمی علوم ۴۷۲C.

در این بخش ابتدا یکی از منابع چاپ شده و سپس منابع غیر چاپی قرن دوازدهم را بررسی قرار می‌کنیم.

۱. دستور شهرداریان، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۳.

محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری، مجلس‌نویس دربار شاه سلطان حسین بوده و به اعتبار شغل خود که مسئول نوشتن صورت جلسات مشورت سلطنتی و ثبت و ضبط وقایع جاری ممکتی بوده، اطلاعات زیادی از اوضاع زمان خویش به دست آورده و به تدوین کتاب مزبور پرداخته است. وی وقایع سالشمار از ۱۱۰۵ - ۱۱۱۰ هـ.ق را گرد آورده است. در مورد نسبت محمد ابراهیم جای بحث هست که وی را به خواجه نصیرالدین طوسی رسانده‌اند، اما می‌توان گفت وی از خانواده و نسلی دیوانی و مجلس‌نویس در دربار صفوی بوده است.

مؤلف دیباچه‌ای در ابتدای اثر خویش آورده که از نقطه نظر بحث ما مهم به نظر می‌رسد. وی با حمد و ثنای خداوند آغاز کرده، سپس به نعت رسول اکرم(ص) و مدح علی بن ابیطالب(ع) و سایر ائمه پرداخته است. خطبه‌های علمایی همچون محمدباقر خوانساری در تهنیت جلوس شاه و احکام و فرامین صادره از سوی شاه سلطان حسین در خصوص ترک مناهای و منع شراب و انتصاب اشخاص به مشاغل دولتی، از دیگر مطالب این کتاب است.

از جمله مباحث قابل توجه در این کتاب، اشارات به جانشینی حضرت علی(ع) است. محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری ضمن طرح این مطلب، از آیات قرآنی، احادیث و روایات استفاده می‌کند. آیات ۵۵ سوره مائده و ۶۲ سوره یونس را آورده و اشاره به این امر می‌کند که در مقام و شأن حضرت علی(ع) نازل شده است. وی همچنین حدیث منزلت، خطبه غدیر پیامبر و روایات دیگری را نیز به کار می‌برد. (مقدمه ص ۵)

۲. تاریخ ایران، ناشناس، سرگذشت پادشاهان ایران و پیامبران، تهران، دانشگاه ش: ۴۱۰۶:۱۵

کتاب با پادشاهان ایران، یعنی کیومرث شروع شده و ابیاتی را میان مطالب آن آورده است. نویسنده همچنین نسل کیومرث را با استفاده از نصیحة الملوك غزالی تطبیق می‌دهد و آن را ارزیابی می‌کند. وی بحثی در مورد عدل، ظلم و استفاده از احادیث و آیات قرآنی در ابتدای کتاب خویش آورده است. نویسنده ضمن بحث پادشاهان باستانی ایران، از آیات، روایات اسلامی و اشعار در فهم مطالب استفاده می‌کند؛ به عنوان مثال در بعضی تواریخ مسطور است که طهمورث مدت‌العمر مستعرض امم مختلفه نشد و همیشه به مقتضی «لکم دینکم ولی دین» عمل فرمود.

بخش اعظمی را به حوادث رستم اختصاص داده است، همراه اشعاری؛ به این ترتیب احتمال می‌رود به شاهنامه دسترسی داشته است. (برگ ۶۰) این بخش با اسکندر و حوادث او پایان می‌یابد.

بخش بعدی را با حضرت آدم شروع می‌کند و در ابتدای مطلب، منابع مورد استفاده خویش را ذکر می‌کند: تاریخ حکما، از امام شمس‌الدین محمد شهرروزی و نزهة القلوب مستوفی. (برگ ۸۲)

نویسنده در بحث پیامبران تا به حضرت ادریس می‌رسد و سپس به حکمای یونانی می‌پردازد: فیثاغورث، سقراط، ذنوجانسس (احتمالا دیاژانوس) و افلاطون. نویسنده بار دیگر به پادشاهان ایران توجه نموده و از اشکانیان و ساسانیان سخن می‌گوید. نکته قابل توجه در این است که نویسنده در ضمن مطالب پادشاهان ساسانی، پیامبرانی را نیز معرفی می‌کند؛ از جمله صالح نبی، اسماعیل، یوسف، سلیمان؛ ملکه بلقیس، شهر صهبا(سبا) حضرت موسی بنی اسرائیل و عیسی که البته مؤلف از آیات قرآنی و اشعار استفاده می‌کند. او در گزارشات خود درباره حضرت عیسی از حسن بصری و ابن عباس روایت می‌کند. (ب ۳۶۱ پشت) از ابن عباس منقول است که چون آیه کریمه «انی متوفیک و رافعک» بر عیسی نازل شد، آن حضرت اصحاب را اخبار نموده، حواریون را وصیت کرد که بعد از من پیغمبری از زمین تهامه از قبیله خویش که او را نبی امی عربی گویند، مبعوث خواهد شد که علمای امت او بسان انبیاء باشند. اولاد خویش را وصیت نمائید که سلام مرا بدو رسانند. (ب ۳۶۲)

مؤلف در پایان داستان هر پیامبر، شریعت، صفات، چهره، معجزات و مدت حکومت حیات او را آورده

است. در پایان کتاب، حوادث را به سمت تولد پیامبر و اخباری از جبرئیل و بعضی اتفاقات آن دوره می‌برد و این چنین به پایان می‌رساند.

به طور کلی این اثر به دنبال آن بوده که بین پادشاهان ایرانی و پیامبران، ارتباط برقرار کند. استفاده از آیات و روایات نشان از آن داشته که مؤلف گمنام اثر، ادیب و عالم بوده است، چرا که از اشعار هم میان اثر خویش استفاده کرده است. نام بردن از بعضی از کتاب‌هایی که استفاده کرده نیز قابل تأمل است. توجه به حکمای یونانی هم می‌تواند جالب توجه باشد و تمایل نویسنده به حکمت و فلسفه را نشان دهد.

۳. رساله خاتم‌های چهارده معصوم، شیخ علی فرزند شیخ حسین کربلایی، تهران، دانشکده الهیات،

۳۶۳:۳ د

این رساله مختصر در بیان خاتم‌های حضرات طاهرین چهارده معصوم در یک مقدمه و چهارده فصل و خاتمه تدوین شده است. نویسنده در مقدمه، مبنای بحث را بر اساس اقوال و احادیث خود ائمه قرار می‌دهد و در بحثی تحلیلی به این امر اشاره می‌کند که چون ارتباط ائمه با شیعیان کم بوده است، طرفداران و حامیان آنها از طریق انگشتی پی به آن می‌برده‌اند که دستور امام بوده است، حتی در مقدمه مؤلف با استفاده از احادیث نوع انگشتی و جنس آن را آورده است. ابتدای بحث را با پیامبر آغاز کرده است. نویسنده در بحث مربوط به حضرت علی وی را با اوصاف و تمجید بسیار معرفی کرده و اشاره می‌کند که نقش نگین حضرت علی را حضرت رسول به ایشان بخشیده که آن را هم جبرئیل از بهشت هدیه داده بود. (برگ ۷)

این امر را می‌توان چنین فرض کرد که مؤلف می‌خواسته بدین طریق حق جانشینی حضرت علی را بار دیگر یادآور شود؛ همچنین در ذکر نقش انگشتی دیگر معصومین، عموماً مفاهیمی در ذهن مؤلف بوده است؛ به عنوان مثال نقش انگشتی امام حسن «العزّة لله» بوده و خود توضیح می‌دهد این به آن جهت است که می‌خواسته پاسخ به دشمنانش بدهد که صاحب عزت دنیوی ظاهری بوده‌اند، به این معنی که آن حضرت طعنه و تعرض به ایشان می‌فرمود که عزت واقعی مر خدای راست. (برگ ۱۱)

نقش انگشتی امام حسین: «ان الله بالغ امره» است؛ یعنی به درستی که حق تعالی امرش نافذ است. علما می‌گویند به گردن نهادن به امر الهی، رفتن به دشت کربلا و حوادث آنجا اشاره دارد (برگ ۱۲)

نقش انگشتی امام دوازدهم «اناالحق الله» است به معنی خاصه منم حجت خدا بر خلق و برگزیده خاص. گمان است که کل خاتم‌های چهارده معصوم نزد خلف ایشان، یعنی صاحب الامر باشد. در پایان و خاتمه رساله هم جنس انگشترها و احادیث مربوط به آنها را آورده و در مورد آنها توضیح می‌دهد.

۴. احسن الانتخاب، عباسعلی حسینی در معجزات و سوگواری امامان، تهران، الهیات، ۵۲ د

نویسنده در ابتدای کتاب می‌نویسد: این کتابی است منتخب از احادیث و تواریخ معتبره علمای دین در بیان روضات و مصایب و معجزات رسول خدا و ائمه طاهرین، برای آنکه شیعیان پاک دین هرگاه به مطالعه و مناظره این کتاب مسمی به احسن الانتخاب مشرف شوند، من را دعا کنند.

در معجزات پیامبر بسیار اغراق کرده و اموری غیرواقعی را بیان کرده است؛ از جمله گواهی دادن سوسمار به نبوت آن حضرت و امامت حضرت علی که در سال اول بعثت صورت پذیرفته است.

نویسنده گاهی در گزارشات پر از اغراق خود، از روایات اهل سنت نام می‌برد؛ به نقل از مناقب خوارزمی می‌آورد پیامبر که به معراج رفتند، در آسمان چهارم ملکی را دیدند که بر منبری نشسته و ملائک دیگر گرد او را گرفته‌اند. از جبرئیل پرسیدند که او کیست و سرانجام حضرت علی را آنجا می‌بیند. نویسنده حوادث تاریخ اسلام را به طریقی گزارش داده و چیده است که همواره در حوادث ابتدای تاریخ اسلام، حضرت علی در کنار پیامبر به انجام امور خارق‌العاده می‌پردازد که در این میان داستان‌های حماسی نیز پرداخته می‌شود.

مؤلف بعد از حوادث صدر اسلام، به حادثه کربلا پرداخته و روضه امام حسین را آورده است. تأکید بسیار بر مظلومیت امام حسین و یاران، عطش بسیار و در میانه بحث، اشعاری روضه‌گونه، نوحه‌خوانی و ابراز احساسات، از جمله مطالب این بخش است.

ترتیب تاریخی در ذهن نویسنده نبوده است، چرا که بار دیگر به گذشته برگشته، بحث فضائل حضرت فاطمه را مطرح می‌کند؛ حدیث غصب خلافت حضرت امیر را ذکر کرده، سپس به روضه امام محمد تقی می‌پردازد.

در پایان معجزات امامان را ذکر می‌کند و سرانجام تاریخ ولادت و وفات چهارده معصوم را می‌آورد. ۵. در جنگ رقیعی متعلق به قرن ۱۱، بخشی است با عنوان مناقب ائمه معصومین، ناشناس، سده ۱۱، تهران، دانشگاه ۲۹۷۸:۱۷

در ابتدای رساله چنین آمده است: حدیث و حکایات از کتاب معتبر، در شأن حضرات ائمه معصومین، به جهت محبان خاندان نوشته شد.

این اثر به صورت لفظی و کلامی به مناقب امامان پرداخته است و همان‌طور که از ابتدای بحث مشهود است، گمان می‌رود تحت تأثیر اندیشه‌های حروفی نیز قرار داشته است:

لا اله الا الله دوازده حرف است و محمد رسول الله نیز دوازده حرف است و شبانه‌روزی بیست و چهار ساعت است. می‌فرماید که ای بنده من! بیست و چهار حرف از کلمه شهادت بر زبان ران تا بیست و چهار ساعت شبانه‌روزی عمر تو در حمایت و عنایت تو این حروف باشد؛ یعنی خون و مالت در حصار دین می‌آید از برکت این کلمات و امیرالمؤمنین علی نیز پانزده حرف است، اگر با لا اله الا الله و محمد رسول الله ضم کنی، از هفت درگه دوزخ خلاصی یابی و بهشت سرشت برسی.

نقل است که رسول الله صله انگشتی مبارک خود را به سلمان داد که کلمه لا اله الا الله بر آن نقش کند. سلمان گفت تا کلمه محمد رسول الله و علی ولی الله به آن ضم کنید. چون به خدمت رسول آورد، سه خط دید بر آنجا نقش کرده، از سلمان پرسید این سه خط چیست؟ جواب گفت: کلمه لا اله الا الله شما فرمودید که بر آنجا نقش کنند و من خواستم که محمد رسول الله به آن ضم کنم. گفت: دیگر خط چیست؟ جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت: یا رسول الله! لا اله الا الله خواست تو بود و محمد رسول الله خواست سلمان بود و خواست ما آن بود که علی ولی الله با آن ضم کنیم که کلمه شهادت، بی‌ولایت علی قبول و مقبول نیست. (برگ ۴۰)

در این رساله حکایات و داستان‌هایی پر از اغراق و بزرگ‌نمایی از حضرت علی می‌آورد و ایشان را بسیار مدح می‌کند. نویسنده مدام در خواب با پیامبر در گفتگو است و اعمال خارق‌العاده از حضرت علی گزارش می‌دهد.

از جابر عبدالله انصاری روایت است که گفت: رسول الله مرا گفت خبر دهم تو را بهترین امت؟ گفتم بلی یا رسول الله. گفت: علی این ایت‌طالب که بهترین خلفاست و هر که او را مسلم ندارد از جمله کافر است و علی شفا مؤمنان است و خشم منافقان است. (برگ ۴۷)

۶. نورالعین: محمد باقر شریف قمی اصفهانی، فرزند محمد تقی شریف حسینی، روزگار نادرشاه و شاگردش میرزا محمد تقی الماسی بوده است. این اثر در ۱۱۷۹-۱۱۷۸ نگاشته شده است. تهران: دانشگاه ۴۴۱۰؛ جامع کبیر یزد: ۱۰ ج ۱۱۶۹:۲؛ تهران: سپهسالار: ۶۵۰۷ و تهران: مهدوی: ۲۶۴:۴۷

این رساله درباره این است که چرا امام حسین به کربلا رفت و حوادثی که برای ایشان پیش آمد را بررسی می‌کند. نگاه نویسنده به این حادثه حاکی از آن است که این امر یک قضای الهی بوده است و سبب تحمل این همه شدت و بلا با وجود قدرت الحضره بر دفع الم آنها، وی توضیح می‌دهد:

بدان که شهادت آن امام مظلوم در علم سابق و قضا محتوم پروردگار عالمیان گذشته و در عوض شهادت امامت را در رزیه [الحجنتاب] قرار داده و شفا و تربیت او تقدیر فرموده و دعا را تحت قبه مبارک او مستجاب گردانید...

جمیع انبیاء را از شهادت سیدالشهدا خبر داده و قدر و مرتبه او را به ایشان نشان داده و پیوسته رسول خدا را از شهادت نور دیده‌اش خبر می‌داد و ملائکه آسمان‌ها را از برای تعزیه آن حضرت می‌فرستاد و علی مرتضی و فاطمه زهرا نیز این قضیه عظمی را می‌شنیدند.

نویسنده گزارشات و حوادثی را درباره امام حسین و حادثه کربلا، با داستان‌هایی همراه می‌کند. در میان مطالب همچنین به مرثیه‌خوانی و نوحه‌خوانی می‌پردازد. گزارش‌هایی هم گزارشاتش از ابن بابویه و کنز‌الغرائب آورده است.

رساله به صورت حکایات مختلف همراه اشعار فارسی و عربی، اوج اندوه و غم را برای حادثه عاشورا تصویر می‌کشد و مدام بر گریه کردن و نالیدن اصرار دارد. در پایان مؤلف دلیل نامگذاری رساله را به نورالعین چنین بیان می‌کند که چون در دشت کربلا حاضر نبودم تا جان خود را فدای خاک پای مقدس شهید شهدا بنمایم، پس گریه و اشک خویش را فدا می‌کنم و برای ایشان لابه و اندوه و گریه می‌نمایم. نویسنده در هر مجلس به ذکر حوادث و اتفاقات و شهداء پرداخته، هر چند در آن مطالب داستانی و حماسی به چشم می‌خورد.

۷. واقعه کربلا، نگاشت روزگار قاجار؛ خواسته در آن همه رویدادهای جهان را در سال ۶۰ گرد بیاورد. تهران: الهیات: ۱۸ ب

نویسنده خود در ابتدای کتاب می‌آورد: حوادث مهم که در سال ۶۱ هـ در تمام روی زمین حادث شده، نگاشته شود تا معلوم گردد در آن سال پر حزن و ملال که واقعه کربلا واقع شد، طوایف و امم و قبایل

مختلف اهل عالم را چه قسم سوانح مشغول داشته و در چه کار عهده بوده‌اند و اقوام و ملل در آن ایام چه می‌نموده‌اند. نویسنده همچنین اشاره می‌کند با مقاتلی که تاکنون تألیف شده، از تحقیق دور است و حقیقت امر به واسطه اخبار کثیره و اقوال ضعیفه متکثره در پرده خفا مستور و مؤلفین مقاتل اگر در کتب داخله تتبع کاملی نموده، از مسطورات خارجه یقیناً بی‌خبر بوده‌اند؛ بنابراین واقعه کربلا را مقدمتاً می‌نگارم و بعد از آن حوادث مقارن را یکایک می‌شماریم تا امر اقدس اعلیٰ به درستی به موقع اجرا رسد. (برگ ۱)

مؤلف واقعه کربلا را با بیانی عالمانه و محققانه با مرگ معاویه شروع کرده و در گزارشات خویش از عبدربه، ابن اثیر، ابوعبیده نحوی، یاقوت حموی، شیخ مفید، ابن طاووس، تاریخ سیستان، مسعودی و روضه الشهدا کاشفی نقل گزارش می‌کند. نویسنده هر جا حدیثی یا سخنی آورده که به زبان عربی است در کنار و یا در زیر آن معنی فارسی‌اش را هم نوشته است.

وی پس از ذکر حادثه عاشورا، به بخش اصلی کتاب می‌پردازد و کلیه وقایعی را که در سال ۶۱ هجری در ممالک مختلف اتفاق افتاده، می‌آورد. مؤلف ابتدا از آسیا شروع کرده و پس از برشمردن حدود تقریبی هر حوزه، عربستان و حوادث مربوط به آن را شرح می‌دهد. سخن از خوارج، آل زبیر و دیگر گروه‌های حاضر در آنجا دارد. عراقین را جزء عربستان شمرده و سپس به ایران توجه کرده است: سیستان، مازندران، طبرستان، گرجستان، ارمنستان، ترکستان،.. اطلاعات مفیدی از آنها می‌آورد که نشان‌دهنده آگاهی و دسترسی مؤلف به منابع بوده است.

سپس به حوادث اروپا اشاره کرده: انگلیس، فرانسه، آلمان، روس، جزایر اسکاندیا که شامل دانمارک، سوئد، نروژ، مجارستان و خروالتستان، بلغارستان، رومانی، پرتوگاک، اسپانیا، رومیه کبری، ایتالیا و رومیه صغری. و سرانجام به آفریقا پرداخته است: آفریقه و مصر.

این اثر در دوره قاجار نگارش یافته است، اما از آنجا که نگارنده نگاه جهانی داشته و یک واقعه تاریخ اسلام را با نگاهی خاص تحلیل کرده، نیاز است تا بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

۸. جنات الخلود، محمدرضا فرزند محمد مؤمن امامی خاتون آبادی؛ به نام شاه سلطان حسین صفوی شده و همراه جدول، شرح اسماء حسنی، شناسایی پیامبران و سرگذشت آنها، سرگذشت ۱۴ معصوم، روزهای فرخنده مذهبی و ... در سال ۱۱۲۷ نگارش شده است. نسخه‌ها: مشهد: رضوی: ۱۸۰ تاریخ/تهران: مجلس: ۵۱۰۰ /تهران: ملی: ۱۳۰۸ و ۹۶۰ /تهران: ملک: ۱۴۷۵

دارای سرلوح تمام صفحات تذهیب و جدول بندی، عناوین به زر و لاجورد و سفیدآب و شنگرف به خط نسخ و ثلث ایرانی. ۱۲۶۱هـ

در ابتدا مؤلف اسمی از *خزائن الانبار* در اظهار فضل ائمه اطهار می‌برد، اما این اثر در ابتدا اسماء الحسنی را آورده و به طور منظم و تقسیم‌بندی زیبا با رنگ‌های متفاوت آنها را شرح می‌دهد؛ سپس پیامبران را از آدم شروع کرده و به ترتیب درباره آنها توضیحاتی داده است. در بخش حضرت آدم، دعای ایشان را آورده که از جهت نگاه و فضای فکری مؤلف، مهم به نظر می‌رسد:

اللَّهُمَّ انا نَسْتَلِكُ بِحَقِّ الْاَكْرَمِينَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْاِثْمَةَ بِنْتِ عَلِينَا وَ

رحمتنا... (برگ ۸ پشت) نکته قابل توجه در بخش پیامبران این است که مؤلف پس از اسماعیل و اسحاق، سخن از ذوالقرنین می‌آورد. او پیامبران را نام می‌برد تا اینکه به حضرت محمد (ص) می‌رسد. از اینجا به مباحث بیشتر پرداخته می‌شود: آغاز خلقت و آفرینش که پیامبر حضور داشته و بعضی از روایت‌های غالی گرایانه در اینجا به مطالب می‌افزاید. اسما پیامبر، کنیه، آبا و اجداد، خصوصیات ظاهری، معجزات، غزوات، اصحاب اولاد و ... از جمله مباحث این بخش محسوب می‌شود و البته رگه‌هایی از اغراق در این رساله دیده می‌شود و گاهی از پیامبر تصاویری ماورایی ساخته است؛ به عنوان مثال: سایه نداشتن، خواب و بیداری ایشان یکسان بوده و یک سر و گردن بلندتر بودن از هر کسی که با ایشان همراه بوده، خواه بلند و خواه کوتاه و.

مؤلف همین سبک را برای امامان به کار برده و با سرتیترهایی که مشخص کرده، توضیح اندکی در مورد مفاهیم مورد نظر داده است. بیشتر مطالب، حالت اثباتی داشته است؛ مثلاً در مورد شخصیت حضرت علی با آوردن بسیاری از مباحث مورد نظر، به دنبال آن بوده است که ولایت ایشان را تثبیت کند. او هنگام بحث امام حسن و امام حسین (ع)، وقتی به خلافت معاویه و یزید می‌رسد، از آنها با عنوان پادشاه نام می‌برد. (برگ ۱۳)

نویسنده در پایان از ویژگی‌های اخلاقی پیامبر، شواهدی ذکر کرده و خصوصیات رفتاری ایشان را توضیح داده است. در بخش پایانی این اثر، مطالبی از ایام و اوقات و تواریخ مهم مشاهده می‌کنیم. روزشمار ماه‌های قمری و حوادث مهم آنها را با نگاه تاریخ اسلامی با نظم و شکل‌بندی ماهرانه و هنرمندانه‌ای آورده است؛ به عنوان مثال در مورد محرم، روزشمار حادثه عاشورا را بیان کرده و ادعیه و اذکار روایت شده را آورده است. در بخشی دیگر به اطلاعات جغرافیایی و مطالبی از حوادث طبیعی از جمله کسوف، قوس و قزح و... اشاره کرده و در پایان در جدول بسیار منظم و زیبایی، طول و عرض جغرافیایی شهرهای مهم منطقه از جمله ایران و دیگر بلاد، به اضافه انحراف قبله آنها را ترسیم کرده است. اطلاعات جغرافیایی و مسافت بین شهرها می‌تواند از بسیاری جهات مهم به نظر آید. این اثر به لحاظ شکل ظاهری، از زیباترین نسخه‌ها محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد بخش پایانی این نسخه، توسط نویسنده‌ای دیگر اضافه شده باشد.

۹. شعشه ذوالفقار در شرح غزوات حضرت حیدر کرار، محمد شفیع بن بهاء الدین محمد الحسینی، شیخ الاسلام قزوین؛ حماسه‌ای دینی است به نثر آمیخته به نظم به نام کریم خان در شوال ۱۱۴۸ هـ شامل جنگ‌های حضرت علی از بدر تا خوارج. نسخه‌ها: تهران: دانشگاه: ۲: ۲۹۹۰؛ تهران: سنا: ۱۸۲؛ تهران: مجلس: ۳۰۳۷ و نجف: امیرالمؤمنین: ۱۲۶۷.

محمد شفیع، پسر میرزا محمد شفیع شیخ الاسلام و در زمان کریم‌خان وکیل سرسلسله زندیه می‌زیسته است. این کتاب در ۱۱۷۲ تألیف و نسخه حاضر به خط علی رضا شریف موسوی خوئی تحریر شده است. مؤلف در ابتدا به حمد و ثنا می‌پردازد و سپس در صحت گفته‌های امامان و ائمه مطالبی می‌آورد. وی در این بخش درباره اخبار و صحت آن اطلاعاتی می‌آورد که ارزشمند است. محمد شفیع گزارشاتی از مورخان و فقهای شیعه می‌آورد؛ از جمله استرآبادی، کلینی، ابن بابویه و .. و می‌گوید احادیثی را که اینها می‌آورند،

می‌توان صحیح دانست. چون شهادت این بزرگان کمتر از شهادت اصحاب رجلی نیست، بلکه یقیناً بهتر است؛ از جمله آنکه ایشان که صحیح می‌گویند به معنی آن است که یقین حضرات معصومین - صلوات‌الله علیهم اجمعین - فرموده‌اند و جوهی که ایشان را یقین حاصل شده است و متأخران که صحیح می‌گویند به معنی آن است که جماعتی که روایت کرده‌اند، ثقه بوده‌اند.

مؤلف منابع گزارش‌ها و اطلاعاتی را که می‌آورد، در ابتدا ذکر می‌کند. این کتاب اطلاعاتی درباره حضرت علی، غزوات، معجزات و خصوصیات ایشان دارد. ابتدای حوادث تاریخی را از لیلۃ المبیت، یعنی شبی که حضرت علی در بستر پیامبر می‌خواند، شروع می‌کند. نویسنده در ارائه مطالب گاهی داستان‌پردازی هم کرده و در بعضی تحلیل‌هایش نتوانسته گرایش شیعی خود را دخیل نکند. اشاره به غزوات پیامبر و حضور حماسی حضرت علی در کنار پیامبر در همه حوادث از جمله مطالب این اثر است.

محمد شفیع پس از شرح نبرد احد، از حکومت‌های بعدی یاد کرده و تا زمان نادر پیش رفته است، اما به طور خلاصه و گاه ایباتی موزون هم به کار برده است. سپس به حوادث صدر اسلام بازگشته. وی در ضمن بیان غزوات پیامبر، به رشادت و جان‌فشانی حضرت علی (ع) اشاره کرده و با اشعار حماسی وی را ستایش کرده است. مؤلف همچنین در میانه حوادثی که از جان‌فشانی‌های حضرت علی می‌گوید، اشاراتی به ابوبکر و عمر می‌کند تا موقعیت حضرت علی را بدین طریق بالاتر جلوه دهد.

پس از نبرد خندق، در کتاب *روضۃ الصفا* مستور و محرر است که چون حضرت مرتضی علی - علیه السلام - به مجلس رسول الله آمد، ابوبکر و عمر برخاستند و سربارک او را بوسیدند. (برگ ۹۰ پ) اوج حماسه درباره حضرت علی (ع)، در داستان فتح قلعه ناعم آورده شده است؛ ابوبکر و عمر ابتدا در فتح آن ناتوان شدند. (برگ‌های ۹۲ - ۹۸) در جریان فتح مکه، حضرت علی (ع) بر دوش پیامبر می‌رود و نویسنده این شعر می‌آورد:

عرش وی جبرئیل مأوای علی‌ست
نه کرسی سبز آسمان جای علی‌ست
بر کتف نبوت رسول مدنی
کردیم نظر نقش کف پای علی‌ست

(برگ ۱۰۳)

محمد شفیع از حوادث سقیفه و خلفای راشدین گذشته و تنها به این اشاره دارد که پیامبر آنچه باید ابلاغ می‌کرد - «من کنت مولا فهذا علی مولا» - را آورده است. نویسنده سپس حوادث سال‌های خلافت حضرت علی را آورده و در پایان نوشته: «بحمدالله این شرفنامه به نام نامی ساقی کوثر، صورت اتمام گرفت و این شعشه ذوالفقار به تأیید حیدر کرار، در شوال ۱۱۴۸ اختتام پذیرفت».

۱۰. فضائل السادات، گفتاری است در دوستی فرزندان پیامبر در ده باب در سده ۱۲. تهران: الهیات:

د ۲۸۷:۲

این اثر رساله‌ای است که با فضائل ائمه اطهار آغاز شده؛ سپس برای سادات، همان مقام و ارزشی را قائل شده که برای ائمه قائل شده است. نویسنده در جای جای اثر این امر را با داستان‌ها و روایت‌های

بسیار توضیح می‌دهد. مؤلف ابتدا آیه مودت را آورده و در میانه مطالب از اشعار و داستان‌هایی چون کلیله و دمنه استفاده کرده است. همچنین احادیثی را گزارش می‌کند و آنها را در اثبات سخنان خود به کار می‌برد. اولاد رسول جایز است که مصطفی را - علیه السلام - اب یا جد گویند؛ پسران مردمان مر پدران خود را خوانند و این دلیل متین است که اولاد رسول از مردمان دیگر فاضل‌ترند. (برگ ۵۹ پ)

نویسنده در پایان هر بحث، حکایاتی نیز می‌آورد:

در حکایتی آورده‌اند که سلطان بلخ، دختران بسیار داشت و وی از کفر آنها نگران بود؛ لذا به وزیر می‌گوید و سپس با مشورت فقها و علما به این نتیجه می‌رسند که پادشاه دختران خود را به سادات بدهد. (برگ ۷۱ رو)

ابراهیم و حسن و حسین با یکدیگر بازی می‌کردند که جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود که یکی از این سه نفر را باید انتخاب کنی! پیامبر فرمودند: اگر یکی از حسن و حسین انتخاب کنم، فاطمه را درد نتوانم دید و گریه و شربت فراق فرزندان او آزار نتوانم دید. پس موت ابراهیم، پسر خود اختیار کرد.

۱۱. تاریخ نادرشاه، از صفا، تهران، دانشگاه: ۵۵۳۳

این اثر مانند دیگر نوشته‌های در مورد افشاریه، بیشتر حالت تک‌نگاری با محوریت نادرشاه را دارد و اساس مطلب را به وی اختصاص داده است. کتاب توضیح‌چندانی از مباحث تاریخ اسلام یا ائمه ندارد و به طور کلی، وقایع‌نگاری سالیانه افشاری است.

۱۲. زبده التواریخ، میرزا محمد محسن مستوفی، فرزند محمد کریم، کارگزار نادرشاه در سپاهان به دستور رضاقلی فرزند نادر در ۱۱۵۴ این اثر را انجام داده است. تاریخ عمومی به شیوه سیاق از آفرینش تا ملوک الطوائف پس از صفویه و سال ۱۱۴۸.

نسخه مورد استفاده: تهران، کتابخانه دانشکده ادبیات ۱۵ ب؛ البته این اثر نسخه‌های دیگری هم دارد: تهران: ملی؛ ۱۲۶۶ ف / مشهد رضوی؛ ۲۴۲ تاریخ.

نویسنده در ابتدای اثر به حمد و ثنای پروردگار پرداخته است. آغاز کتاب با خلقت حضرت آدم شروع شده و سپس داستان انبیا و پیامبران را آورده است. در این مطالب اغلب داستان‌سرایی و قصه‌پردازی دیده می‌شود. نویسنده بعد از اصحای الاخدود که مهم به نظر می‌رسد، به مباحث مربوط به تاریخ صدر اسلام و پیامبر می‌پردازد. او به نسل پیامبر و داستان زندگی ایشان اشاره کرده و از حضرت علی نیز در کنار پیامبر نام برده است. نویسنده از روایات امامان شیعه و نهج‌البلاغه استفاده می‌کند.

نویسنده هرچه به حوزه تاریخ اسلام نزدیک‌تر می‌شود، روایت‌هایش بیشتر تاریخی می‌شود و از داستان‌پردازی فاصله می‌گیرد، اما باز هم کم و بیش عقاید خویش را ابراز می‌دارد. او نوشته‌هایش را بر پایه کتاب‌های تاریخی می‌آورد؛ البته در این بخش گزینشی اقدام کرده و از نوشته‌هایی چون نهج‌البلاغه، شرح نهج‌البلاغه، ابن بابویه و ... روایات شیعی را مقدم می‌دارد. نویسنده همچنین گاه از داستان‌پردازی و امور غیر واقع اجتناب نمی‌کند؛ یکی از تبت‌های این اثر با این عنوان مشخص شده است: در ذکر معجزاتی که در حیوانات به امر و اعجاز پیامبر ظاهر شد.

محوریت غزوات با رشادت‌ها و اعمال حضرت علی (ع) بوده است:

«در پایان نبرد بدر، در آنروز از هر اسیر قریشی که می‌پرسیدند که تو را اسیر کرد، می‌گفت مرا علی اسیر کرد و جناب پیغمبر فرمودند که راست می‌گوید، حق تعالی ملائکه را فرموده بود که به صورت علی با ایشان جنگ کنند و ایشان را اسیر کنند که خوف و رعب علی در دل ایشان زیاد شود». (برگ ۵۲ پ) نویسنده در بخشی مفصل در بیان کیفیت وصیت و رحلت پیامبر می‌آورد، اشاره به سپاه اسامه دارد و افرادی را که می‌بایست همراه وی شوند، ذکر می‌کند: ابوبکر، عمر، ابوعبیده، عبدالرحمن، طلحه و زبیر و... (حضرت علی (ع) در این میان نبودند) (برگ ۶۷)

نویسنده در میانه بحث سقیفه، اشاره‌ای به غدیر خم دارد و اینکه خلافت، حق حضرت علی بود. نویسنده وقایع خلافت راشدین را ذکر می‌کند و سپس با خلافت حضرت علی (ع) تاریخ امامت را می‌نگارد و مطالبی را که مربوط به امامان است، گزارش می‌دهد. روایات، حدیثی از کرامات و معجزات امامان، بخشی از این مطالب است که از جهتی قابل تأمل است. نویسنده تاریخ امامت را با غیبت امام زمان به پایان می‌برد و سپس تاریخ ایران را از دوران باستان شروع می‌کند. ارتباط بین انوش با حضرت آدم از جمله مباحث مهم این بخش به حساب می‌آید؛ سپس به تاریخ ایران می‌پردازد که تا دوران افشاری ادامه پیدا می‌کند.

ویژگی تاریخ‌نویسی امامت در قرن دوازدهم

تا قبل از روی کار آمدن صفویان، تاریخ امامت محدود و در لابه‌لای مباحث مربوط به تاریخ اسلام نگاشته می‌شد که اکثر مورخان به جهت محدودیت و شرایط خاص خود، مطالب را به صورت مختصر ارائه می‌دادند. با روی کار آمدن صفویه و گفتمان شیعی خویش، وفور نوشته‌های مربوط به تاریخ اسلام و امامت صورت گرفت. آنها از یک طرف به مشروعیت نیاز داشتند و از طرف دیگر با توجه به مطرح کردن اندیشه شیعی منابع و نوشته‌های علمی شیعی را مورد توجه قرار دادند؛ البته باید توجه داشت که متناسب با فلسفه سیاسی مطرح شده در انتخاب مفاهیم، گزینش و گاه پردازش صورت می‌گرفت که رگه‌هایی از آن در قرن دوازدهم ادامه پیدا کرد.

تاریخ امامت در قرن دوازدهم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. نوشته‌های افراد مذهبی که تنها برای ثواب اخروی یا تکرار حوادث امامان برای عبرت گرفتن و استفاده شیعیان انجام می‌شد. این نوشته‌ها همراه اغراق، شخصیت‌پردازی، حماسه‌سازی و گاه پردازش داستان‌های احساسی که خواننده را تحت تأثیر قرار دهند، بوده است. می‌توان برای این بخش، نورالعین، واقعه کربلا و مناقب ائمه معصومین را ذکر کرد.

۲. نوشته‌های نخبگان و کسانی که از طرح مباحث، به دنبال مفاهیم خاصی بوده‌اند. این گروه نیز عموماً مذهبی و عالم دینی بودند، اما چنین به نظر می‌رسد که تحت تأثیر اندیشه اخباری بوده باشند، چرا که در گزارشات خود، روایات را بدون اینکه در آن بازنگری کنند، ذکر کرده و تأکید زیادی بر سخن معصوم دارند.

در این بخش می‌توان از شعشه ذوالفقار در شرح غزوات حضرت حیدر کرار و جنات الخلود نام برد.

منابع مورد استفاده

اکثر نوشته‌های این دوره در آثار خود، ذکری از منابع نکرده‌اند که البته این امر در تاریخ‌نویسی آن دوره رایج بوده است. پاره‌ای از آثار به ذکر منابع پرداخته‌اند. منابع مورد استفاده آنها را می‌توان به بخش‌های زیر تقسیم کرد:

۱. منابع روایی شیعی از جمله شیخ صدوق، شیخ مفید و علامه مجلسی و گاه استفاده از آیات و روایات و نهج‌البلاغه که نویسنده از آنها نام می‌برد.
۲. منابع سنی از جمله کتب صحاح و شرح نهج‌البلاغه و پاره‌ای از روایاتی که علمای اهل سنت نقل کرده‌اند و در آن به تقدیر حضرت علی یا امامان پرداخته‌اند.
۳. تواریخ عمومی و منابع پراکنده دیگر.

سبک و شیوه

عموم نویسندگان، حوادث را با بیانی داستانی و گاه حماسی ارائه می‌دهند. شخصیت‌پردازی، وجه مشخص و مشترک تمام منابع مورد بررسی بوده است. زبان نوشته‌ها ساده و گاه همراه آیات قرآنی، اصطلاحات عربی و لغات ترکی بوده است. نوشته‌ها زمانی که قالب حماسی به خود می‌گیرد، از اشعار در مدح افراد استفاده می‌کنند. مورخ در نوشته‌ها، عقاید خویش را نیز آورده و در تحلیل حوادث، به داوری پرداخته است.

چینش مطالب نیز در ابتدا از حمد و سپاس پروردگار آغاز شده و سپس با پیامبر و امامان ادامه پیدا می‌کند. آنچه جالب است، حضور حضرت علی در کنار پیامبر در بیشتر حوادث و از همه مهم‌تر شخصیت‌پردازی حضرت علی و دیگر امامان است. امام غیر زمینی، همراه معجزات و خلق اعمال خارق‌العاده که بسیاری از آنها ذهنی و برای نشان دادن هرچه بیشتر قدرت یا نزدیکی به خدا بوده است.

تأکید بسیار زیاد منابع این دوره به مسئله جانشینی حضرت علی، ملازمت ایشان با پیامبر و ارائه احادیثی که در مقام ایشان گفته شده است، نشان از آن دارد که بحث درباره چنین موضوعاتی در آن دوره جریان داشته است، اما مهم‌تر از همه، شخصیت‌پردازی و حماسه‌سازی است. اغراق بسیار از اعمال و رفتار، یکی از شاخصه‌های مهم تاریخ‌نویسی این دوره محسوب می‌شود. جدا از جدال سنتی شیعه و سنی که همواره وجود داشته، به نظر می‌رسد مطرح شدن غیر واقعی و ذکر اعمال حماسی و شخصیت‌پردازی مجازی، ارتباط مستقیمی با حوادث سیاسی و ظهور افرادی چون نادر و کریم‌خان داشته است. اگر بار دیگر توجهی به قرن دوازدهم داشته باشیم، حضور شاهان بی‌لیاقت و ضعیف صفوی، پس از آنها آشوب و انحطاط ایران و همچنین حضور کم‌رنگ افغانه، نوعی فضای کسالت‌بار و رخوت‌انگیز را در محافل علمی به وجود آورد. ظهور نادر و شخصیت‌کاریزمای او در این برهه از تاریخ، می‌توانست ذهن نویسندگان قرن دوازدهمی را به

سمت افراد کاریزما سوق دهد. نویسندگان با شخصیت‌پردازی مجازی و خارق‌العاده جلوه دادن امامان، به دنبال این بوده‌اند که ناکامی‌ها و فضای رخوت‌انگیز قرن دوازدهم را به نحوی به فراموشی بسپارند، هرچند نباید فراموش کنیم که چنین اندیشه‌ای در عصر صفوی وجود داشته است. نویسندگان تاریخ امامت در ارائه گزارشات خود، گاه اسیر احساسات و عواطف شده‌اند و به اطلاعات ناقص و اشتباه نیز پرداخته‌اند. در بررسی این آثار، بخش‌هایی از گزارشات بی‌پایه و ضعیف دیده می‌شود. در بخشی از آثار، این طور به نظر می‌رسد که مؤلف تحت تأثیر اندیشه‌های حروفی یا دیگر مشرب‌های فکری قرار داشته است؛ به عنوان مثال در اثر مناقب ائمه معصومین، نویسنده به صراحت از اعداد برای بیان مضامین مورد نظرش استفاده می‌کند. در مطالب و نوشته‌های این دوره، از اصطلاحات و مفاهیم صوفیانه نیز استفاده شده است.

نتیجه‌گیری

تاریخ‌نویسی امامت در قرن دوازدهم، در واقع ادامه تاریخ‌نویسی صفویان محسوب می‌شود. صفویان تأکید بسیاری به منابع شیعی داشتند و بسیاری از منابع شیعی در این دوره، تدوین یا مورد بازنگری قرار گرفت. از جمله بحار/انوار در این دوره تدوین گشت. بسیاری از این آثار ارتباط تنگاتنگی با اندیشه سیاسی صفویان داشتند و به همان نسبت در انتخاب مفاهیم تاریخ اسلامی نیز برای فریب دادن این اندیشه سود می‌جستند. قرن دوازدهم با توجه به تحولاتی که در خود داشت، از جمله پادشاهان بی‌لیاقت صفوی، انحطاط و سرانجام سقوط اصفهان و بی‌ثباتی قدرت، نویسندگان آثار مذهبی را هر چه بیشتر به سمت شخصیت‌پردازی و خرق عادت سوق داد؛ البته نباید فراموش کرد این سنت از قبل بوده، اما در این دوره بیشتر نمود می‌یابد که به نظر می‌رسد متأثر از شرایط بی‌ثبات و عدم وجود شخص قدرتمند بوده است، چرا که می‌بینیم با ظهور نادر و حتی کریم‌خان، نوشته‌ها حول افراد و اعمال آنها پرداخته و حتی در بسیاری از موارد - همچون نوشته‌های امامان - از کودکی و خردسالی، آنها را موجوداتی فرا انسانی جلوه داده‌اند. نوشته‌های این دوره ساده و گاه با آیات قرآنی و احادیث و لغات عربی همراه بوده است. ذکر روایات در قالب داستان‌ها و متون حماسی و همچنین شخصیت‌پردازی مجازی، از ویژگی‌های نوشته‌های این عصر است.

منابع

- استرآبادی، میرزا مهدی، جهانگشای نادری، تهران، سروش، ۱۳۷۰.
- ، — دره نادری، تهران، بنیاد، ۱۳۴۴.
- شعله کویین، تاریخ‌نویسی در روزگار فرمان‌روایی شاه عباس صفوی، ترجمه منصور صفت گل، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- غفاری، ابوالحسن، گلشن مراد، تهران، زرین، ۱۳۶۹.
- قدسی، محمد حسین، نادرنامه، مشهد، انجمن آثار ملی خراسان، ۱۳۳۹.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمد بن امین، مجمل التواریخ: شامل وقایع و رویدادهای سی و پنج ساله بعد از نادرشاه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- محمد کاظم، عالم آرای نادری، تهران، زوار، ۱۳۶۴.
- نامی موسوی اصفهانی، محمد صادق، تاریخ گیتی‌گشا، تهران، اقبال، ۱۳۶۳.
- نصیری، محمد ابراهیم بن زین‌العابدین، دستور شهریاران، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۳.
- وارد تهرانی، محمد شفیع، تاریخ نادرشاهی، نادرنامه، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی